

اشتغال زنان؛

بارویکردی خانواده محور

چگونه نادیده گرفتن ارزش کار خانگی امنیت اقتصادی زنان را به خطر انداخته است



احمدی اگر توانمندسازی اقتصادی زنان را تنها در ایجاد شغل و کارآفرینی بیرون از خانه می بینید، در اشتباهید. برای واکاوی عمیق ابعاد این موضوع و ارائه راهکارهای تحول آفرین، پای صحبت های توران ولی مراد، جامعه شناس، فعال حوزه زنان و مدیر شورای همکاری زنان، نشسته ایم.

برای بررسی وضعیت اقتصادی زنان، باید توانمندسازی اقتصادی را از اشتغال صرف تفکیک کرد. اشتغال، کسب درآمد است، اما همیشه به معنای در اختیار داشتن آن نیست. زنان همواره در عرصه های مختلف از جمله خانه داری، فرزند پروری، کشاورزی و صنایع دستی فعال بوده اند. اما آورده اقتصادی این فعالیت ها اغلب مستقیماً در اختیارشان قرار نمی گیرد. حتی درآمد زنان شاغل نیز اغلب صرف هزینه های خانواده می شود. بنابراین، برای درک صحیح وضعیت اقتصادی زنان، باید بارویکردی خانواده محور به این موضوع نگاه کرد. توانمندسازی اقتصادی زنان باید به عنوان موضوعی مستقل مورد توجه قرار گیرد تا زنان از مزایای اقتصادی فعالیت های خود بهره مند شده و نقش مؤثرتری در توسعه خانواده و جامعه ایفا کنند. این رویکرد، ضمن حفظ نقش محوری خانواده، به توانمندسازی فردی زنان نیز کمک می کند.

مفهوم اشتغال برابر برای زنان، نیازمند تبیین دقیق تری است. فرصت های تحصیلی، کارآفرینی و استخدامی برای زنان و مردان تفاوت چندانی ندارد، جز موارد خاصی. اما زنان همواره در خانه مشغول به کارند، از تأمین غذا و نظافت تا رسیدگی به فرزندان. این ها کارهایی هستند که اگر توسط نیروی بیرونی انجام شوند، هزینه درخور توجهی دارند. اشکال اینجاست که این فعالیت ها آورده اقتصادی محسوب نمی شوند و عواید آن مستقیماً در اختیار زنان قرار نمی گیرد.

در زمان طلاق، اجرت المثل به زنان پرداخت می شود که اغلب ناچیز است. عرف جامعه، نگهداری فرزندان و امور منزل را بر عهده مادر می داند. اما قانون به این موضوع مشخصاً نپرداخته است. این مشکلات، خود را در قالب مهریه نشان می دهند. مهریه به ابزاری برای جبران تأمین نشدن اقتصادی زنان تبدیل شده و متأسفانه، به آواری بر سر ازدواج بدل گشته است. زنانی که یک سال یا پنجاه سال خانه داری کرده اند، با یکدیگر تفاوت دارند و این تفاوت ها باید در نظر گرفته شود.

بیش از یک دهه است که پیشنهاد داده ام زنان باید به نسبت آورده اقتصادی خود در خانواده، از دارایی های زندگی مشترک سهم داشته باشند. این سهم، باید در هر سه حالت زندگی مشترک، طلاق یا فوت همسر در نظر گرفته شود و حتی در صورت فوت زن، به وراثت او برسد. برای تعیین این سهم، باید ویژگی هایی چون تعداد فرزندان، کار خانگی (خانه داری، آشپزی، نظافت)، و مشارکت در فعالیت های اقتصادی خانواده (کشاورزی، دامداری، صنایع دستی) را در نظر گرفت.

سهم نابرابر زنان از اقتصاد

واکاوی موانع کارآفرینی زنان در ایران

مریم احمدی در جهانی که نیمی از جمعیت آن را زنان تشکیل می دهند، سهم آنان از فعالیت های اقتصادی و کارآفرینی همچنان با نابرابری های چشمگیری روبه روست. این نبود توازن نه تنها به معنای از دست رفتن ظرفیت های عظیم انسانی است، بلکه مانعی جدی بر سر راه توسعه پایدار جوامع محسوب می شود. چالش اصلی، فراتر از صرفاً ایجاد فرصت های شغلی، در موانع ساختاری و تأمین مالی ریشه دارد. دکتر فاطمه پاسبان، عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات، آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان خراسان رضوی، در گفت و گو با ما به بررسی دقیق موانع اقتصادی پیش روی بانوان پرداخته و بر ضرورت طراحی یک الگوی جدید تأمین مالی، متناسب با نیازهای خاص این قشر، تأکید می کند.

چالش اصلی؛ موانع تأمین مالی و دسترسی به سرمایه

او با اشاره به موانع اقتصادی پیش روی بانوان در بازار کار و ایجاد کسب و کار، می گوید: مهم ترین این موانع، به ویژه در زمینه تأمین سرمایه در گردش و سرمایه مورد نیاز برای سرمایه گذاری است. این چالش، خواه برای ادامه فعالیت های موجود و خواه برای شروع کسب و کاری جدید که به حداقل سرمایه برای اجاره مکان، خرید تجهیزات و نهاده ها نیاز دارد، مانعی اساسی برای حضور فعال بانوان در عرصه کارآفرینی به شمار می رود و مطالعات اقتصادی نیز آن را به عنوان اساسی ترین مانع مطرح کرده اند. با تشریح دورا هکار اصلی برای تأمین مالی، یعنی استفاده از منابع شخصی یا دریافت اعتبار، می افزاید: بانوان در هر دو مورد با مشکلات عدیده ای مواجه هستند. ذخیره پس انداز و ثروت شخصی آن ها، به خصوص برای بانوانی که در مناطق روستایی یا با درآمد پایین زندگی می کنند، بسیار محدود است. این محدودیت ها ریشه در عوامل فرهنگی و اجتماعی دارد که باعث می شود زنان کمتر مالک املاک یا ثروت باشند. در نتیجه، تأمین وثیقه برای دریافت وام دشوار می شود. علاوه بر این، فرایند تأمین مالی از طریق وام و اعتبار نیز برای بانوان دشوارتر است، نگرش حاکم بر بازار مالی اغلب مردانه است و دسترسی بانوان را محدود می کند. آن ها معمولاً قادر به تأمین وثیقه و ضامن نیستند و به دلیل ریسک پذیری پایین تر، تمایلی به دریافت وام های با بهره بالا ندارند و نگران توانایی نداشتن در بازپرداخت آن هستند.

فراتر از سرمایه؛ موانع ساختاری و اجتماعی پیش روی بانوان

دکتر پاسبان با تأکید بر ضرورت طراحی الگوی جدید برای تأمین مالی بانوان، می گوید: شرایط کنونی بانرخ های بهره بالا و انکای صرف بانک ها به سپرده گذاری، محدودیت هایی را برای کسب و کارهای خرد و متوسط ایجاد کرده و بانوان را در مضیقه تأمین مالی قرار می دهد. او تأکید می کند که لازم است الگویی کارگشا با ضمانت های مناسب طراحی شود که با مدیریت بهینه، نظارت و ارزیابی دقیق، وام ها را به سمت ایجاد کسب و کار، اشتغال و درآمدزایی هدایت کند. این الگوها باید متناسب با شرایط هر منطقه و هر کسب و کار طراحی شوند، زیرا یک نسخه واحد برای کل کشور کارآمد نخواهد بود. این استاد دانشگاه در این راستا، الگوی حکمرانی خوب را که در آن مردم در کنار دولت و حاکمیت به ایفای نقش می پردازند، ضروری می داند و می افزاید: دولت به تنهایی قادر به انجام این کار نیست و باید با اعتماد به مردم، آن ها را وارد میدان کند. دولت باید از مردم حمایت کرده، قوانین لازم را وضع و تسهیلات را فراهم آورد. او با ابراز تأسف از کمبودهای جدی در این زمینه، می گوید: الگوهای مانند قرض الحسنه و صندوق های اعتبارات خرد وجود دارند، اما هنوز الگویی پایدار و مؤثر که بتواند مشکل تأمین مالی را حل کند، ارائه نشده است. بنابراین، آسیب شناسی الگوهای موجود و رفع آسیب های آن ها ضروری است. همچنین، تأمین مالی محصولات مختلف (کشاورزی، خدماتی، صنعتی) نیز متفاوت است و میزان، اندازه، مدت زمان و سود وام ها باید متناسب با نوع محصول طراحی شود.

همچنین، باید بررسی شود آیا زن درآمد حاصل از این فعالیت ها را در اختیار خانواده قرار داده است یا خیر. با محاسبه این موارد، می توان به سهم مالی زن از زندگی مشترک رسید. ما به قانونی نیاز داریم که آورده اقتصادی زنان در خانواده را به رسمیت بشناسد و سهم مشخصی از دارایی های زندگی مشترک را به آنان اختصاص دهد. رویکرد فعلی، پراکنده و ناکارآمد است. پرداخت اجرت المثل تنها در زمان طلاق و با نگاهی خدمتکارانه، عدالت را برقرار نمی کند.

قوانین خانواده مادارای اشکالات اساسی و نامتناسب با شرایط روز هستند. تمامی مسئولیت ها مانند نفقه و تأمین مایحتاج بر عهده مرد است و برای زن مسئولیتی تعریف نشده است. در مقابل، تمام حقوق نیز به مرد واگذار شده است.

قانون، تأمین اثاث البیت را بر عهده مرد می گذارد، اما در عرف زن جهیزیه می آورد. این جهیزیه، در طول زندگی مشترک مستهلک شده و کمکی به مرد تلقی می گردد. این کمک نباید صرفاً اخلاقی باشد، بلکه باید به یک حق قانونی تبدیل شود. آورده اقتصادی زن در زندگی مشترک، حتی اگر اموال به نام مرد باشد، باید قانوناً به زن تعلق بگیرد. ما نیازمند قانونی هستیم که سهم اقتصادی زن را شفاف مشخص کند. با این قوانین، مشکل مهریه نیز تا حد زیادی حل می شود.

خانه داری، کاری با افتخار است. زن موظف نیست برای تأمین مخارج بیرون از خانه کار کند. زن، ملکه خانه است و مرد خانواده را تأمین می کند تا مادر با آرامش به فرزندان و خانه رسیدگی کند. اما اشتغال زنان بیرون از خانه، علاوه بر امنیت اقتصادی، پایگاه اجتماعی نیز به آن ها می بخشد. زنی که کار و درآمد دارد، از اقتدار و جایگاه اجتماعی بیشتری برخوردار است. اعطای قانونی این درآمد و اختیار بر اموال به زن، تأثیر بسزایی در وضعیت زنان خواهد داشت. مشکل اصلی، برنامه ریزان و قانون گذاران هستند که در رأس آن ها معاونت زنان ریاست جمهوری قرار دارد. این نهاد طی سی سال، نه در خدمت زنان بوده و نه در خدمت خانواده. آن ها به جای ارائه لوایح و فعال سازی دستگاه ها، به گزارش و جلسات نمایشی بسنده کرده اند. به همین دلیل، مشکلات زنان همچنان روی زمین مانده است. این نهاد باید به طور کارشناسی و جامع، مسائل زنان را در ابعاد حقوقی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شناسایی و برنامه هایی برای رسیدن به اهداف مطلوب تدوین و اجرا کند.